



## تحلیل نقاط ابهام نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام در فرایند تقنینی



فیروز اصلانی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
دانشگاه تهران

### مقدمه

بر اساس بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که پس از بازنگری سال ۱۳۶۸ به قانون اساسی افزوده شد، ابلاغ سیاست‌های کلی نظام از وظایف رهبری است. بر اساس این وظیفه ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران در مقام ایفای نقش هدایت و رهبری امت اسلامی، به‌عنوان تعیین‌کننده

توسط نهادهای مختلف حقوقی و در چارچوب صلاحیت‌های اعطایی به آن‌ها است، بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام را نیز وظایف رهبری به شمار آورده است. در این زمینه یکی از فرایندهایی که باید منطبق با سیاست‌های کلی نظام طراحی شود، تعیین الزامات و بایدها و نبایدهای حقوقی از طریق قانون‌گذاری در چارچوب سیاست‌های

خط‌مشی‌های کلان و مسیر کلی حرکت نظام، سیاست‌های کلی نظام را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ می‌کند؛ اما از آنجا که صرف ابلاغ سیاست‌های کلی نظام تضمینی برای حرکت ساختارها و نهادهای حقوقی در چارچوب سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ابلاغی نیست و حرکت نظام حقوقی در چارچوب سیاست‌ها نیازمند نظارت دائم بر نحوه اجرایی شدن آن‌ها